مجله اقتصادی
شماره‌های ۱ و ۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۷، صفحات ۱۱۶-۹۵

بررسی ماهیت اقتصاد مقاومتی و نظریه‌های توسعه اقتصادی

فرزاد رستمی
عضو هیئت‌علمی دانشگاه رازی کرمانشاه
f.rostami1361@gmail.com

فرشته بهرامی‌پور
دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه رازی کرمانشاه
f.bahramipoor73@gmail.com

مفهوم توسعه بعد از جنگ جهانی دوم گسترش یافت، به گونه‌ای که در اواخر قرن بیست و در قرن بیست و یکم قدرت کشورها بر اساس میزان توسعه‌یافتگی به‌ویژه توسعه اقتصادی تعریف می‌شود. از این رو تلاش‌هایی برای ارائه الگوهای توسعه در جوامع مختلف شکل گرفت که نتیجه آن طرح نظریاتی در این زمینه بود. این نظریه‌پردازی برای دستیابی به الگوی مطلوب توسعه هیچ‌گاه متوقف نشده است و همچنان ادامه دارد. دیدگاه‌های اولیه مبتنی بر توسعه خطی بود اما مکاتب بعدی آن را رد کردند و بر الگوی توسعه بومی تأکید داشتند. ایران نیز پس از انقلاب اسلامی سعی کرد تا الگوی پیشرفت و توسعه به‌ویژه در حوزه اقتصادی خود را تدوین کند و نهایتاً در سال ۹۱ الگوی اقتصادی مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری مطرح شد. سؤالی که در پژوهش حاضر مطرح می‌شود این است که آیا الگوی اقتصاد مقاومتی یک الگوی جدید است و یا برگرفته از نظریه‌های توسعه‌ای است که قبلاً مطرح شده‌اند؟ در پاسخ به این سؤال این فرضیه به سنجش گذاشته می‌شود که هرچند الگوی اقتصاد مقاومتی با توجه به مؤلفه‌های بومی ایران تعریف شده است، اما درواقع ترکیبی از نظریه‌های نوسازی و وابستگی است که پیش‌تر ارائه شده است؛ از این رو نمی‌توان آن را یک الگوی جدید دانست، اما به هر شکل ماهیت مستقلی دارد. این پژوهش در چارچوب الگوهای توسعه بررسی می‌شود. روش تحقیق در این پژوهش، مقایسه‌ای و ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، توسعه، نوسازی، وابستگی.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-13]

۱. مقدمه

مسئله توسعه به‌ویژه توسعه اقتصادی همواره مورد توجه دولتمردان و اقتصاددانان بوده است. از این رو شاهد ارائه نظریه‌های مختلفی برای رسیدن به وضعیت توسعه هستیم، ازجمله نظریات نوسازی، توسعه نیافتگی شامل مکتب ساختاری و وابستگی، نظریات پساتوسعه و غیره. در ایران نیز مسئله توسعه از حدود یک قرن پیش مطرح شد، اما تا دهۀ اخیر اجماعی بر سر مدل توسعه اقتصاد ملی وجود نداشت و به همین دلیل وضعیت اقتصادی و رفاهی مناسبی شکل نگرفت. با مطرح شدن مسئله هسته‌ای ایران به عنوان یک مسئله سیاسی در عرصۀ بین‌الملل رویکردهای متفاوتی نسبت به ایران از سوی قدرت‌های بزرگ در پیش گرفته شد که مهم‌ترین رویکرد آن‌ها تحریم‌های چندجانبه بود. با شدت یافتن تحریم‌ها اقتصاددانان ایرانی سعی کردند یک مدل بومی برای خروج از وضعیت موجود ارائه دهند؛ چراکه در شرایط کنونی جهان شاید بتوان گفت اقتصاد مهم‌ترین مؤلفه قدرت محسوب می‌شود. این مدل بومی که در سال ۱۳۹۲ توسط رهبری مطرح و توسط اقتصاددانان تبیین شد مدل اقتصاد مقاومتی است. هرچند دولتمردان سعی کردند با پیاده‌سازی مدل‌های غربی سطح نسبی از رفاه را ایجاد کنند، اما بحران‌هایی نیز شکل گرفت. از این رو ضرورت معرفی یک الگوی بومی بیش از پیش احساس می‌شد. سؤالی که در پژوهش حاضر مطرح می‌شود این است که آیا الگوی اقتصاد مقاومتی یک الگوی جدید است و یا برگرفته از نظریه‌های توسعه‌ای است که قبلاً تئوریزه شده‌اند؟ در پاسخ به این سؤال فرضیه ذیل به سنجش گذاشته می‌شود: هرچند الگوی اقتصاد مقاومتی با توجه به مؤلفه‌های بومی ایران تعریف شده است، اما درواقع ترکیبی از نظریه‌های نوسازی و وابستگی است که پیش‌تر ارائه شده است. از این رو نمی‌توان آن را یک الگوی جدید دانست، اما به هر شکل ماهیت مستقلی دارد. در این پژوهش ابتدا الگوهای توسعه به عنوان چارچوب نظری تبیین می شود. سپس الگوی اقتصاد مقاومتی را بررسی خواهیم کرد و درنهایت به مقایسه الگوهای مذکور و بیان شباهت‌های آن‌ها می‌پردازیم.

۲. ادبیات پژوهش

حیدر مستخدمین حسین در مقاله خود تحت عنوان «مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اقتصاد ایران با راهبردی بر اقتصاد مقاومتی» معتقد است که از قرن ۱۶ تا ۲۱ بر اساس ساختارهای فرهنگی و تولیدی کشورها مکاتب اقتصادی متفاوتی شکل گرفت که هیچ یک نتوانسته‌اند یک برنامه راهبردی

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-13]

برای برون‌رفت از مشکلات و مسائل اقتصادی ارائه دهند و طرح اقتصاد مقاومتی را در همین راستا تحلیل می‌کند. به اعتقاد وی مدل اقتصاد مقاومتی یک الگوی جدید توسعه است که اگر درست اجرا شود قطعاً می‌تواند اقتصاد ملی را از سردرگمی نجات دهد و اقتصاد کشور را هدف‌دار کند (مستخدمین حیدری، ۱۳۹۵).

مصطفی قربانی در تحلیل خود تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی و نظریه‌های توسعه» اشاره می‌کند که اقتصاد مقاومتی مبتنی بر تقویت ظرفیت های درونی اقتصاد کشور است و در عین حال، به دور از انزواگرایی است. وی معتقد است که اقتصاد مقاومتی دارای یک ساحت نظری در میان نظریه‌های توسعه است و می‌تواند به معنای گشودن راهی جدید در میان نظریه‌های توسعه باشد؛ یعنی به عنوان حد وسط ایدهٔ جهانی شدن و وابستگی قرار گیرد. درواقع به اعتقاد وی اقتصاد مقاومتی ضمن پذیرش مؤلفه‌هایی از جریان‌های اصلی توسعه در برخی از مؤلفه‌ها با آن‌ها تقابل دارد و به هر جهت می‌توان اقتصاد مقاومتی را الگویی در میان این دو سنت دانست (قربانی، ۱۳۹۶).

وحید بهرامی و مصطفی شوشتری در مقاله خود تحت عنوان «الگوی دستیابی به توسعه با نگاه به دو مکتب نوسازی و وابستگی معتقدند که می‌توان از رهیافت این الگوی نوسازی و وابستگی به یک الگوی توسعه سیاسی- اقتصادی بومی رسید و ایجاد یک دولت توسعه‌گرا که فهم مشترکی از اهداف توسعه در میان نخبگان فکری و ابزاری وجود دارد، می‌تواند راه‌حلی برای برون‌رفت از وضعیت کنون باشد (بهرامی و شوشتری، ۱۳۹۳).

علیرضا سمیعی اصفهانی و فاطمه حبیبی نیز در مقاله خود تحت عنوان «نظریه پساتوسعه و الگوی اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران؛ رویکردی مقایسه‌ای» اشاره می کنند که نظریات کلاسیک و مدرن توسعه در برآوردن نیازهای راستین بشری ناکام بوده‌اند. به همین دلیل نظریات پساتوسعه مطرح شده‌اند. آن‌ها پس از مقایسه دو رویکرد اقتصاد مقاومتی و نظریات پساتوسعه به این نتیجه می‌رسند که اگرچه این دو رویکرد در برخی جهت‌گیری‌ها، مانند طرد و نفی بسیاری از مؤلفه‌های الگوی مدرنیستی توسعه، مانند تک‌خطی بودن، نگاه تقلیل‌گرایانه، تبعات ویران‌کننده زیست‌محیطی و اخلاقی آن‌ها و نیز تأکید بر توسعه بومی، محلی، اخلاق توسعه و ... سنخیت‌هایی دارند؛ اما از منظر شالوده‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و غایت‌شناسی تفاوت‌های بنیادینی با یکدیگر دارند (سمیعی اصفهانی و حبیبی، ۱۳۹۴).

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-13]

به طور کلی باید گفت که عمده مباحث مطرح شده درباره اقتصاد مقاومتی به تبیین مؤلفه های آن و چگونگی تحقق آن در بخش‌های مختلف سیستم کشور پرداخته است و هیچ‌یک از آن‌ها به طور مجزا این الگو را با نظریات نوسازی و توسعه‌نیافتگی به طور جدی مقایسه نکرده است. در این پژوهش با توضیح مؤلفه‌های نظریات نوسازی و توسعه‌نیافتگی به مقایسه و بیان تشابهات آن با الگوی اقتصاد مقاومتی پرداخته می‌شود.

۳. چارچوب نظری: الگوهای توسعه

این واقعیت که در نوشته‌های اولیه علم اقتصاد، تناسب قابل ملاحظه‌ای میان اقتصاد و توسعه و علم اقتصاد به معنای عام وجود داشت، به ویژه در بستر بررسی ماهیت «مفهوم توسعه» جالب توجه است. از قدیم‌الایام توجه به مسائل مربوط به توسعه، یکی از ژرف‌ترین انگیزه‌ها برای پیگیری اقتصاد در معنای عام آن بوده است و به هنگام تحقیق درباره جزئیات مربوط به مفهوم توسعه، این شالوده کمی اقتصاد توسعه را باید به ذهن سپرد (سن، ۱۳۸۶). توسعه اقتصادی فرایندی است که در طی آن شالوده های اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می شود، به طوری که حاصل چنین دگرگونی و تحولی در درجه اول کاهش نابرابری‌های اقتصادی و تغییراتی در زمینه‌های تولید، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود. امروزه توسعه اقتصادی تنها در چارچوب تئوری خالص اقتصادی مورد توجه نیست؛ بلکه بنا به گفته «میردال»، رشد و توسعه اقتصادی یک مسئله اجتماعی- سیاسی و فرهنگی است. البته بین رشد و توسعه اقتصادی، تفاوت وجود دارد. رشد اقتصادی صرفاً بیان کننده افزایش تولید یا درآمد سرانه ملی در یک جامعه و بیشتر متکی به ارقام کمی است؛ اما توسعه اقتصادی فرایند پیچیده‌تری است که به مفاهیمی چون تغییر و تحولات اقتصادی نزدیک‌تر است تا مفهوم رشد اقتصادی (بهرامی و شوشتری، ۱۳۹۳). مهم‌ترین بحث قرن بیست و یکم بحث توسعه است که شناخت ابعاد آن در جوامع صنعتی و جهان سوم از اهمیت بسیاری برخوردار است که نخبگان ابزاری و فکری را به فعالیت و تفکر وادار کرده است. مهم‌ترین نتایج این فعالیت‌ها شکل گیری چند نظر عمده در حوزه توسعه اقتصادی بوده است که به طور خلاصه به دو نظریه نوسازی و توسعه‌نیافتگی اشاره می‌شود:

نظریه نوسازی: این مکتب محصول سه رویداد مهم تاریخی شامل ظهور ایالات متحده امریکا به عنوان یک ابرقدرت، گسترش جنبش جهانی کمونیسم و تجزیه امپراتوری های استعماری است که

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-13]

منجر به ظهور کشورهای زیادی در جهان سوم شد. این کشورها به دنبال الگوهای توسعه بودند و کشورهای غربی برای جلوگیری از گسترش کمونیسم آن ها را به الگوی خود یعنی نوسازی ترغیب کردند. نوسازی دو موج داشت، در موج اول بر اصولی چون مرحله‌به‌مرحله بودن، تجانس آفرینی، اروپایی شدن یا آمریکایی شدن، غیرقابل بازگشت و توقف‌ناپذیری، تدریجی و تکاملی بودن، حرکت از سنت به نوگرایی و درون‌زا بودن نوسازی تأکید می‌کردند (سو، ۱۳۹۳). اما از دهه ۸۰ در تعریف توسعه و نوسازی دگرگونی و بازاندیشی‌هایی به وجود آمد که مبتنی بر ده نکته زیر است:

۱. برای نوسازی توده‌های مردمی به جای نخبگان در کانون توجه هستند. درواقع جنبش‌های اجتماعی خودانگیخته و رهبران فرهمند کارگزاران اصلی نوسازی‌اند؛
۲. نوسازی فرایندی تحمیلی از سوی نخبگان محسوب نمی‌شود، بلکه بازتاب آرمان خودانگیخته جامعه است که با نمایش ثروت، پیشرفت و توسعه غرب از طریق رسانه‌ها همراه است؛
۳. به جای تأکید بر نیروهای ذاتی و درونی نوسازی، نقش عوامل خارجی ازجمله تعادل ژئوپلیتیکی، دسترسی به اقتصاد و حمایت مالی خارجی، باز بودن بازارهای جهانی و ... را مورد توجه قرار می‌دهد؛
۴. به جای تأکید بر ایده «جوامع مرجع» یعنی ایالات متحده، ادعا می‌شود که ممکن است الگوی مذکور برای سایر کشورها مناسب نباشد و در عوض کانون‌های متحرک تجدد شکل بگیرند؛
۵. به جای روند یکنواخت نوسازی، تصویری متنوع‌تر پیشنهاد می‌شود. چون در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی، نوسازی دارای شتاب، آهنگ و مراحل مختلفی است. درنتیجه، ناهم‌زمانی در تلاش‌های نوسازی به وفور اتفاق می‌افتد؛
۶. چهره کمتر خوش‌بینانه نیز از نوسازی ترسیم می‌شود که از اراده‌گرایی عامیانه و ساده‌انگارانه برخی نظریه‌های اولیه فاصله می‌گیرد و بر ممنوعیت‌ها، موانع، اصطکاک‌ها و حتی فروپاشی نوسازی تأکید می‌شود؛
۷. بیشتر از رشد اقتصادی به ارزش‌های انسانی، نگرش‌ها، نمادها، قالب‌های فرهنگی و ... توجه بسیاری می‌شود؛ زیرا این‌ها را پیش‌شرط خیز اقتصادی می‌دانند؛
۸. به جای تقابل با سنت‌گرایی که ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد، سعی می‌کنند با کشف سنن نوسازی در سنت‌های مختلف از آن‌ها در جهت تجدد بهره‌برداری کنند؛

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-13]

۹. تغییر چهره جوامع پساکمونیسم در اثر تحمیل دستاوردهای صنعتی شدن و شهرنشینی. درواقع در اینجا مطرح می‌شود که تغییرات و نوسازی چگونه باید صورت گیرد؟ به‌سرعت یا به تدریج؟ که هنوز توافقی بر سر آن وجود ندارد؛

۱۰. کشورهای جهان سوم سعی می‌کنند الگوهای جوامع توسعه‌یافته را در کشور خود پیاده کنند، این در حالی است که خود جوامع نمونه آن‌ها را طرد می‌کنند (تومیکا، ۱۳۸۲).

به طور کلی باید گفت که در مطالعات نوسازی با تحلیل های پیچیده و چندجانبه به دنبال ارائه راه های متفاوت دستیابی به توسعه با توجه به عوامل داخلی و خارجی است که البته این رویکرد با توجه به آنچه بیان شد بیشتر در موج دوم نوسازی مشهود است. موج دوم نوسازی با توجه به انتقاداتی که از سوی موج اول وابستگی بر آن وارد شد تعدیلاتی در خود ایجاد کرد. به عبارت دیگر مؤلفه‌هایی از وابستگی را پذیرفت و برخی از اصول خود را تغییر داد، مانند نفی الگوی توسعه خطی و اعتقاد به تنوع مسیرهای توسعه، بهره‌برداری از سنت در راستای توسعه، تنوع کانون‌های تجدد و ... که به آن‌ها اشاره شد. این تغییر رهیافت توسعه را به واقعیت نزدیک‌تر کرد.

نظریه وابستگی: نظریات توسعه‌نیافتگی موقعیت کشورهای جهان سوم به‌ویژه از لحاظ اقتصادی را محصول نظام اقتصادی- اجتماعی غرب می داند و در این راستا شاهد پیدایش بازار جهانی و اقتصاد جهانی و ایجاد کشورهای وابسته و نیمه‌وابسته هستیم. این نظریه عوامل درونی را متأثر از عوامل خارجی می‌دانند و درواقع معتقدند نظام سرمایه‌داری به گونه‌ای عمل می‌کند که باعث عدم توسعه و اختلال در اقتصاد کشورهای جهان سوم می‌شود (باران و همکاران، ۱۳۵۴). این نظریه اگر بخشی از رویکرد نئومارکسیستی نباشد، ولی با آن نقاط مشترک فراوان دارد و از آن تأثیر بسیاری پذیرفته است. تعریف وابستگی در نظر دوسانتوس وضعیتی است که در آن اقتصاد گروه خاصی از کشورها به اقتصاد کشورهای دیگر پیوند می‌خورد. رابطه وابستگی در نظام جهانی از آنجا حاصل می‌شود که برخی از کشورها با ظرفیت‌های خودشان و مبتنی بر قابلیت درونی‌شان توسعه می‌یابند، حال آنکه توسعه دیگران در گرو رابطه‌شان با کشورهای دیگر (مرکز) است. این امر ممکن است برای گروه اخیر مثبت باشد و بالعکس می تواند مانع توسعه آن ها شود (صنعتی، ۱۳۹۵). این نظریه نیز شامل دو موج می شود. در موج اول به اصولی مانند عام بودن، وضعیت خارجی تحمیل شده، انتقال مازاد اقتصادی از کشورهای جهان سوم به سمت کشورهای سرمایه داری غرب، قطب‌بندی در اقتصاد

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-13]

جهانی، ناسازگاری وابستگی و توسعه، الگوی توسعه بومی یا خوداتکایی را بر پایه منابع خودی، قطع ارتباط با مرکز، عدم اجازه نخبگان به قطع ارتباط با مرکز، رفاه دهقانان روستانشین، بیکاران و محرومان توجه دارند (ساعی، ۱۳۹۴). اما این نظریه نیز دچار اصلاحاتی شد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. روش تحقیق خود را بر الگوی ساختی- تاریخی قرار می‌دهند و بر وضعیت خاص وابستگی هر کشور تأکید می‌کنند که می‌تواند منجر به توسعه پویا شود؛
۲. تأکید بر مؤلفه های درونی سیستم در ایجاد توسعه مانند مبارزه طبقات و همکاری دولت با سرمایه‌های محلی و بین‌المللی؛
۳. وابستگی را غالباً پدیده‌ای اجتماعی- سیاسی می‌دانند نه اقتصادی؛
۴. وابستگی و توسعه قابلیت همزیستی دارند، یعنی توسعه مقارن با وابستگی (توسعه وابسته) امکان‌پذیر است.

اما هر دو موج وابستگی بر توسعه جهان سوم، سطح تحلیل ملی، وابستگی مرکز- پیرامون و مضر بودن وابستگی در مسیر توسعه تأکید داشتند (سو، ۱۳۹۳).

این دیدگاه نیز سعی می‌کند با اصلاحاتی، دیدگاه پیچیده‌ای از توسعه را ارائه دهد و به واقعیت جهان سوم نزدیک شود. درواقع دو دیدگاه نوسازی و توسعه‌نیافتگی سعی می‌کنند با پذیرفتن برخی از اصول یکدیگر راهکار واقع‌بینانه‌ای را برای توسعه جهان سوم ارائه دهند و باید گفت که موج دوم هر دو دیدگاه توان بیشتری برای تبیین و تفسیر مسائل و مشکلات جهان سوم و ارائه راهکار دارند، به گونه‌ای که در بسیاری از کشورهای جهان یکی از این دو دیدگاه و یا تلفیقی از آن‌ها بر اساس وضعیت خاص هر کشور پیاده شده است. ایران نیز با توجه به وضعیت اقتصادی و ویژگی‌های فرهنگی- اجتماعی همواره سعی کرده که الگویی بومی تدوین کند که در حوزه اقتصادی با تلفیق اصول موج دوم رهیافت‌های نوسازی و وابستگی به الگوی اقتصاد مقاومتی دست یافته است.

٤. اقتصاد مقاومتی و ویژگی‌های آن

باید برای غلبه بر شرایط نامناسب اقتصادی یک مدیریت و رهبری قوی اقتصادی ایجاد شود که بتواند در مقابل چالش‌ها از خود انعطاف‌پذیری نشان دهد و از فرصت‌های در حال تغییر نهایت بهره برداری را انجام دهد. برای رسیدن به این اهداف باید بتوان در خود آمادگی کامل برای پذیرش

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-13]

مخاطرات اقتصادی همراه با انعطاف لازم در مقابل آن ها ایجاد کرد. اگر چنین آمادگی ایجاد شود، آنگاه توان سازگاری با آسیب هایی که ناشی از بحران اقتصادی است ایجاد می شود و این سازگاری باعث می شود که آسیب هایی که مداوم اقتصاد را تهدید می کند، از پیش پا برداشته شود (آقامحمدی، ۱۳۹۱). بنابراین می توان گفت اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که فعالیت های اصلی اقتصادی آن در زمینه تولید و تجارت به مهارت های خود متکی بوده، در تعامل با خارج هوشمند عمل کرده و امکان تغییر سریع و خودکار بدون اختلال جدی در بازار در مقابل فشارها و ضربه‌های تحمیلی بیرونی از سوی کشورهای متخاصم و غیرهمسو را داشته و پیشرفت و شکوفایی خود را استمرار ببخشد. اقتصاد مقاومتی گفتمان و الگوی اقتصادی است که ضمن مقاوم‌سازی و تقویت اقتصاد ملی در برابر تهدیدها، توان تحریم‌شکنی با رویکرد عقب راندن نظام سلطه را داشته باشد و در عین حال پیشرو، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا و برونگرا باشد (قوامی، ۱۳۹۱). اما دستیابی به اقتصاد مقاومتی شرایط و الزاماتی دارد که به دلیل شباهت های ساختاری جهان سوم تقریباً در اکثر آن‌ها قابلیت اجرا دارد. شهرنشینی بدون ضابطه، تولید ناخالص ملی اندک، محصور بودن به صادرات مواد اولیه، بدهی های کلان، ضعف در رقابت صنعتی، فقدان صنایع مادر، نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی توسعه نیافته، مشکلات مربوط به انتقال قدرت، نظام مالیاتی، تقسیم ناعادلانه ثروت، فرهنگ اقتصادی، نوسان در تعریف منافع ملی و ... از مقوله‌های جهان‌سومی هستند (سریع القلم، ۱۳۹۳). مهم ترین مشخصه اقتصادی این کشورها وجود ویژگی های دوگانه در زندگی اقتصادی آن‌هاست، به گونه‌ای که بخشی از حیات اقتصادی آن‌ها با اقتصاد جهانی همراه شده است اما بخش اعظم اقتصادشان هنوز اقتصاد سنتی است (ساعی، ۱۳۹۲). مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی عبارتند از:

۱. مردمی کردن اقتصاد: مردمی کردن اقتصاد به معنای مشارکت مردم در اقتصاد نیست، بلکه به معنای تکیه به مردم در فعالیت های اقتصادی و به معنای آن است که مردم نقش اصلی را در فعالیت‌های اقتصادی داشته باشند. این امر باعث می‌شود که از تمام استعدادها و ظرفیت‌های مردم در جهت تولید ثروت و دست‌یابی به قدرت، استقلال و امنیت اقتصادی استفاده شود (میرمعزی، ۱۳۹۱).

۲. توانمندسازی بخش خصوصی: تجربه کشورهایی که موفق به کوچک‌سازی بخش تشکیلاتی دولت‌های خود شده‌اند، نشان می‌دهد که این کشورها به نتایج بسیار ارزنده‌ای ازنظر اجرای

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-13]

باکیفیت کارهای کلان خود دست یافته اند. به نظر می رسد نقش پررنگ دولت نیز در اداره کارها می‌بایست کاهش یابد و به جای آن، روند نظارت بر کارها و هدایت امور توسط دولت توسعه یابد. دولت به عنوان ارکان اجرایی و تصمیم ساز که ابزارهای لازم اقتصادی را در اختیار دارد، می تواند حرکات کیفی تری را در تمام عرصه ها از خود نشان دهد (فشاری و پورغفار، ۱۳۹۳).

۳. کاهش وابستگی به نفت: وابستگی اقتصاد کشور به یک محصول ازجمله نفت موجب وارد شدن تکانه های شدید در فراز و نشیب بازار به اقتصاد آن کشور می شود. کاهش وابستگی به نفت از دو طریق ممکن است: کاهش تولید نفت و تبدیل نفت. یعنی برای کاهش صادرات و جلوگیری از مواجهه با مشکل نفت به فروش نرفته، یا باید تولید نفت کاهش یابد یا اینکه تولید نفت به میزان فعلی یا بیشتر از آن ادامه یابد. چنانچه بنا باشد تولید نفت ادامه یابد و همچنین آن نفت به فروش نرود و صادر نشود، بدیهی است که باید به فرآورده های نفتی تبدیل شود و یا در داخل به مصرف برسد و یا به صورت فرآورده صادر شود (کریمی، ۱۳۹۱). به طور کلی این روش در مورد کشورهای تک‌محصولی صدق می کند.

۴. توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان: این مؤلفه یکی از ضرورت‌های جامعه در تحقق سیاست اقتصاد مقاومتی است. شرکت ها و مؤسسات دانش‌بنیان شرکت یا مؤسسه خصوصی هستند که به منظور هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصادی دانش‌محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی شامل گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری و تجاری سازی نتایج تحقیق و توسعه تشکیل شده‌اند. منظور از تولید ثروت از دانش در شرکت‌های دانش‌بنیان این است که این شرکت‌ها بتوانند با تولید محصولات علمی، ارزش افزوده آن ها را هم افزایش دهند تا در دنیای رقابتی از استاندارد لازم برخوردار باشند و مطلوبیت خود را برای مشتریان حفظ کنند. امروزه دانش مهم ترین دارایی یک کشور است و سرمایه های فکری و ابزار توسعه و پیشرفت محسوب می‌شوند (جفرودی و مجید، ۱۳۹۴).

۵. حمایت از تولید ملی: در شرایط اقتصاد مقاومتی مهم ترین وظیفه مصرف کنندگان این است که با خرید اجناس داخلی از واحدهای تولیدی حمایت کنند. البته تولیدکنندگان نیز باید به این مسئله توجه داشته باشند که در اقتصاد مقاومتی آنان نیز وظایفی از جمله افزایش کیفیت و

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-13]

کاهش قیمت تمام‌شده محصولات نهایی را به عهده دارند و قطعاً تولیدات داخلی نباید به نحوی باشد که منجر به ضرر و زیان مصرف کنندگان شود و قطعاً تولیدکنندگان نباید از شرایط اقتصاد مقاومتی و افزایش خرید محصولات داخلی از سوی مصرف‌کنندگان سوءاستفاده کرده و کیفیت و یا خدمات پس از فروش کالاهای تولید داخل را کاهش دهند؛ زیرا چنین اقداماتی قطعاً حرکت در راستای اهداف اقتصاد مقاومتی را با موانع روبرو می‌کند و در نهایت مشکلات آن دامن‌گیر خود تولیدکنندگان می‌شود (دانشمند و همکاران، ۱۳۹۱).

۶. مبارزه با سوداگری و مفاسد اقتصادی: از مؤلفه های مهم اقتصاد مقاومتی مقابله با سوداگری و فساد است. منظور از سوداگری فعالیت‌های غیرمولدی است که از تلاطمات و نوسان‌های بازار سوءاستفاده نموده و بهره‌مندی‌هایی را نصیب برخی افراد می‌گرداند. عدم تقارن اطلاعاتی رانت‌های مختلف اعتباری، انحصاری و ... منشأ بروز این‌گونه رفتار است که موجب آسیب دیدن بخش مولد می‌شود و در اقتصاد نوسان‌های شدید و حباب‌های قیمتی به وجود می‌آید. چنین اقتصادی در مواجهه با کمترین فشار خارجی کمترین پایداری و مقاومت را داشته و به‌سرعت متلاشی می‌شود. فساد نیز طیفی از اعمال خلاف قوانین برای کسب سود شخصی است که در سطح کلان موجب ناکارآمدی سیستم و کاهش سرمایه گذاری می‌شود (نریمانی و عسکری، ۱۳۹۱).

۷. مدیریت مصرف: یکی دیگر از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی مدیریت مصرف است. واقعیت این است که یکی از علل اساسی اسراف و زیاده‌روی در مصرف و همچنین تمایل مردم به مصرف کالاهای خارجی، پایین بودن کیفیت محصولات و کالاهای داخلی است و این مسئله در بلندمدت باعث سلب اطمینان مردم از کیفیت اکثر کالاهای داخلی شده است. بنابراین با توجه به ویژگی شرکت‌های دانش‌بنیان در استفاده از دانش برای بهینه کردن کیفیت محصولات داخلی، به همراه اقدامات فرهنگی، می‌توان موجب ترغیب مردم به مصرف کالاهای داخلی گردید. به این ترتیب، از یک سو وابستگی کشور به محصولات و ارز خارجی جهت واردات این کالاها کاهش می یابد و از سوی دیگر، با ارتقای کیفیت محصولات داخلی، زمینه رقابت این کالاها با کالاهای مشابه در بازارهای خارجی فراهم می‌گردد (غفارپور و پورحاتمی، ۱۳۹۴).

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-13]

۸. بهره‌وری: بهره‌وری به عنوان نرخ تولید کالاها تعریف شده است و ابزاری است برای اندازه‌گیری درک اینکه چگونه یک کشور منابع در اختیار خود را به کالاها و خدمات مورد نیاز تبدیل می کند. در این تعریف؛ کارایی عبارت است از میزان تولید کالاها و خدمات با استفاده از منابع در اختیار که تابع فرایندهای تبدیل عوامل تولید به محصولات است. اثربخشی نیز به میزان تطابق اهداف جامعه با تولیدات را اندازه‌گیری می‌کند. اهداف هریک از افراد و نحوه تجمیع آن‌ها به منظور دستیابی به اهداف جامعه نیز تابع نهادهای حاکم بر آن جامعه است. بنابراین بهره‌وری (کارایی + اثربخشی) هر اقتصاد تابع نوع نهادهای (رسمی و غیررسمی) جامعه مورد مطالعه است (فتح‌اللهی و فریادی، ۱۳۹۴).

۹. مدیریت منابع ارزی: یکی از مسائلی که استقلال اقتصادی را تضعیف و وابستگی اقتصادی را تشدید می کند، نیاز به ارز خارجی است. بنابراین باید نیاز به ارز خارجی کاهش پیدا کند (کاهش واردات) و در تحصیل و تخصیص آن بهترین مدیریت به کار رود (میرمعزی، ۱۳۹۱).

۱۰. تنوع درآمدهای صادراتی کشور: کشورهای با وابستگی شدید به صادرات یک یا چند محصول، در چرخه باطل عقب‌ماندگی گرفتار آمده‌اند. این مطلب در مورد کشورهای صادرکننده منابع معدنی و به‌خصوص نفت خام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا نوسانات شدید قیمتی این محصولات، درآمدهای ارزی این کشورها را به‌شدت دچار نوسان می کند. در چنین شرایطی، در مواقع کاهش درآمدهای ارزی جامعه برای حفظ سطح مصرفش ناگزیر به دریافت وام و کمک های خارجی است که باعث وابستگی شدید شده و در اقتصاد ایجاد اخلال می کند. از سوی دیگر نوسانات اقتصادی مانع رشد باثبات خواهد شد؛ زیرا تجربه نشان داده که افزایش درآمدهای صادراتی در زمان رونق، کاهش درآمدها در زمان رکود را جبران نمی کند. به طور کلی اگر یک کشور بازارهای خرید متنوع بین‌المللی داشته باشد، قدرت چانه زنی بیشتری در مقابل تولیدکنندگان داشته و ریسک آسیب وارد شدن به استقلال کشور کاهش می‌یابد (خانزادی و حیدری، ۱۳۹۴).

۱۱. فعال کردن دیپلماسی اقتصادی: یکی از اساسی ترین کارهای لازم در اقتصاد مقاومتی در بعد جهانی و منطقه‌ای، فراهم آوردن ساختارها و سازوکارهایی است که کشور را از زورگویی‌های سیستم حاکم بر جهان و نهادهای در خدمت آن‌ها در امان نگه دارد. اتخاذ سیاست گسترش

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-13]

پیمان‌های دوجانبه با کشورهای همراه و همسو را می‌توان جایگزین پیوستن به پیمان‌های جهانی نمود. باید در معاملات تجاری خود با جهان خارج هر چه سریع‌تر به سمت استفاده از پول‌های کشورهای دو طرف حرکت کرد. این سیاست به تدریج می‌تواند محوریت دلار را در اقتصاد دنیا با تهدیدی مواجه سازد و در عین حال آسیب پذیری اقتصاد ملی از نوسانات نرخ دلار را مهار کند (عیسوی، ۱۳۹۱). بنابراین باید هرچه بیشتر در ایجاد پیوندهای راهبردی اقتصادی با سایر کشورها در سایه تعامل سازنده تلاش کرد.

۱۲. حفظ وحدت و انسجام ملی: وحدت و انسجام ملی بزرگ‌ترین سرمایه اجتماعی است که حرکت در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی را تسریع می‌کند. اختلاف و تفرقه در این راه باعث هدر رفتن نیروها و سرمایه‌ها و از دست دادن فرصت‌ها می‌شود. از این رو حفظ وحدت یکی از مهم‌ترین سیاست‌های کلان در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی است (میرمعزی، ۱۳۹۱).

۱۳. بومی‌سازی فناوری: فناوری شامل مهارت‌ها، دانش و روش ساخت، استفاده و انجام دادن کارهای مفید است. راه‌حلی که توسط بعضی از کارشناسان پیشنهاد می‌شود، تقلید بجا، به‌موقع و عاقلانه از روش‌های فنی کشورهای پیشرفته است. از این طریق می‌توان کالاهای ضروری و صادراتی را تولید کرد و به مزیت نسبی در یک یا چند کالا رسید و درواقع از فناوری‌هایی استفاده کنند که با محیط داخل سازگارترند (سیدشکری و کاویانی، ۱۳۹۱).

۱۴. درون‌زا بودن: اقتصاد مقاومتی درون‌زاست؛ یعنی از دل ظرفیت‌های خود کشور و خود مردم می‌جوشد. اقتصاد مقاومتی درون‌گرا نیست؛ یعنی بدان معنا نیست که ظرفیت‌های خارجی را در نظر نگیرید و تنها به ظرفیت‌های داخل متکی باشد. اقتصاد مقاومتی برون‌گراست و به سایر نقاط جهان توجه دارد و با آن‌ها تعامل می‌کند و با سایر قدرت‌های اقتصادی با قدرت مواجه می‌شود.

الگوی مذکور ضمن تأکید بر نقش عوامل خارجی در ایجاد توسعه بیشتر بر عوامل داخلی و ظرفیت‌های داخلی توجه دارد و معتقد به اصلاح سیستم‌های کشور در حوزه اقتصادی-فرهنگی است. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که «اقتصاد مقاومتی» با «مقاومت اقتصادی» امری متفاوت است. اقتصاد مقاومتی مدلی است که در تمام شرایط - عادی و بحرانی - کاربرد دارد و باعث ثبات و شکوفایی اقتصادی می‌شود اما مقاومت اقتصادی مدلی است که در شرایط بحرانی قابل استفاده است. بنابراین نباید این دو را یکی دانست و اقتصاد مقاومتی را در مقاومت اقتصادی تقلیل داد. از سوی دیگر

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-13]

اقتصاد مقاومتی یک پروسه است و در بلندمدت به اهداف خود می‌رسد؛ اما الگوی مقاومت اقتصادی یک پروژه است و برای دوره کوتاه‌مدتی و در شرایط خاصی به کار می‌رود.

۵. اقتصاد مقاومتی و نظریه‌های توسعه

الف) اقتصاد مقاومتی و نوسازی موج دوم

در جامعه ایران درباره توسعه دو دیدگاه وجود دارد:

۱. توسعه درون زا: به مجموعه نهادها و سازمان‌هایی اطلاق می‌شود که از بطن جامعه و لایه‌های زیرین و نهادهای آن آغاز می‌شود و کم‌کم و با بسترسازی به لایه‌های بالاتر رسوخ می‌کند و به تدریج تغییرات مورد نظر را به وجود می‌آورد.

۲. توسعه برون‌زا توسعه‌ای است که از بالا به پائین است و به دنبال شرایطی است که مؤلفه‌های توسعه را از جوامع صنعتی و پیشرو اخذ نموده و به کشورهای در حال توسعه تزریق کند (لطیفی، ۱۳۸۸). اما در دهه اخیر رویکردهایی در حوزه‌های مختلف شکل گرفته است که به هر دو دیدگاه توجه دارد و به عنوان نگاهی بینابین مقبول واقع شده است که اقتصاد مقاومتی حوزه اقتصادی آن است. اقتصاد مقاومتی یک راهبرد اقتصادی است که اولاً به معنای مقاومت اقتصادی، اقتصاد بسته و درون‌گرا و اقتصاد ریاضتی نیست. ثانیاً، یک راهبرد مقطعی و کوتاه‌مدت نیست، بلکه راهبردی کلان و بلندمدت است که قرار است اقتصاد کشور بر آن تکیه کند. ثالثاً، این راهبرد مقاوم‌سازی به معنی انفعالی و کوتاه‌مدت اقتصاد نیز نیست. از این رو این مفهوم دو جنبه کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری است (سیفلو، ۱۳۹۳). درواقع در اقتصاد مقاومتی به طور جدی بر توان داخلی و مردمی کردن اقتصاد تأکید شده است که لازمه آن تکیه و اعتماد به بخش خصوصی است و هدف آن بازسازی و احیای اقتصاد داخلی است (دهقانپورو دیگران، ۱۳۹۴). مکتب نوسازی نیز بر مؤلفه‌هایی نظیر مردمی بودن، خصوصی‌سازی، نقش نیروهای داخلی در کنار عوامل خارجی در توسعه، تنوع الگوهای توسعه، توجه به ارزش‌های انسانی، همگرایی سنت و تجدد و ... تأکید دارد. از این رو نکاتی که بین رهیافت نوسازی و الگوی اقتصاد مقاومتی مشترکند عبارتند از: تأکید بر تولید، اقتصاد و اجتماع، اهمیت نقش مردم در توسعه، نقش نهادهای اجتماعی در تسریع توسعه، تنوع کالاها و بازارهای صادراتی، توجه به عوامل خارجی، کانون‌های متحرک تجدد، پروسه بودن توسعه و بهره‌برداری از سنت‌ها در راستای توسعه.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-13]

ب) اقتصاد مقاومتی و وابستگی موج دوم

اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که با استفاده حداکثری از پتانسیل‌های خود می‌تواند در شرایط مختلف همانند تحریم، بروز بحران‌های اقتصادی، جنگ، خشک‌سالی و ... از پویایی لازم برخوردار باشد. این اقتصاد می‌تواند در تأمین نیازهای اساسی جامعه خودکفا باشد و میزان وابستگی خود را به حداقل برساند. الزامات این الگو شامل کاهش وابستگی به یک محصول، مردمی کردن اقتصاد، مدیریت مصرف، استفاده از تولید داخلی، استفاده حداکثری از زمان، منابع و امکانات و نهایتاً حرکت بر اساس برنامه در مدت زمان طولانی است. الگوی اقتصاد مقاومتی اهدافی را دنبال می‌کند که عبارتند از: تولیدگرایی، رشد مداوم اقتصادی، عدالت اقتصادی، خودکفایی و استقلال اقتصادی، کسب رفاه عمومی، اصلاح الگوی مصرف، حفظ ثبات اقتصادی، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، حفظ منابع طبیعی، استفاده بهینه از منابع موجود (بهره‌وری)، دستیابی به همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی، افزایش صادرات، کاهش واردات، پیدا کردن نخبگان و استفاده از دانش آن‌ها (اسماعیلی خوشمردان، ۱۳۹۵). از سوی دیگر بر اساس دیدگاه نظریه‌پردازان وابستگی، توسعه فرایندی است که فارغ از استعمار و استثمار در حالی که سطح زندگی جامعه را بالا می‌برد، تفاوت‌ها را نیز کاهش می‌دهد؛ تفاوت بین گروه‌های اجتماعی، بین افراد، بین زن و مرد، بین کار فکری و کار یدی، بین شمال شهر و جنوب شهر، بین شهر و روستا و غیره؛ فرایندی است که نه تنها می‌کوشد سطح تخصص را بالا ببرد، بلکه امکان آن را نیز برای همه فراهم می‌کند. درآمد سرانه، تولید سرانه و بهره‌دهی کار را بالا می‌برد، اما نه به قیمت یک تقسیم کار و بسیار تخصصی که توده انبوه مردم را در وضع بد سابق نگه دارد. آموزش و بهداشت همگانی و قابل دسترس باید طوری پیشرفت کند که بتواند بازده کل جامعه را بالا ببرد. رشد اقتصادی مطلوب است، اما اولویت با توزیع مجدد و عادلانه ثروت‌ها و درآمدها، با رفع نیازهای اساسی اکثریت مردم و با مبارزه با فقر مطلق جامعه است. اگر در مقاطعی بین انتخاب یکی از این دو گریزی نباشد، این رشد است که باید به نفع رفع نیازهای اساسی راه باز کند (لطیفی، ۱۳۸۸). شباهت‌های بین رهیافت توسعه‌نیافتگی و اقتصاد مقاومتی نیز عبارتند از: تأکید بر تولید، فرهنگ، اقتصاد و اجتماع، توجه به چهار بعد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و انسانی توسعه، اهمیت نقش مردم در توسعه، نقش نهادهای اجتماعی در تسریع توسعه، توجه به الگوهای بومی توسعه، اهمیت ساختارها و ظرفیت‌های داخلی، توجه به اقشار

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-13]

مختلف جامعه به‌ویژه بیکاران و محرومان، کانون‌های متحرک تجدد، پروسه بودن توسعه و بهره‌برداری از سنت‌ها در راستای توسعه.

٦. مقایسه ماهیت اقتصاد مقاومتی و نظریه‌های توسعه

رشد روزافزون تکنولوژی ها و افزایش تصاعدی ارتباطات و نیز ویژگی تعاملات اجتماعی در طول یکی دو قرن اخیر به تدریج مدل ها و الگوهای مدیریتی موجود به‌ویژه در سطح کلان را با چالش و ناکارآمدی مواجه کرده و گاهی ضرورت تجدیدنظر در چارچوب های کلان گذشته را دوچندان کرده است. بر اساس این نیاز روزافزون جهانی که ابتدا در کشورهای غربی به دلیل پیچیدگی مضاعف احساس شد، مقوله و تئوری توسعه متولد گردید و سریعاً شروع به رشد و بالندگی کرد (غفاری، ۱۳۹۰). مهم‌ترین مکاتب توسعه، نوسازی و وابستگی است. این نظریات توسط برخی از صاحب‌نظران درمورد شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران و تبیین مقوله توسعه و توسعه‌نیافتگی ایران نیز به کار گرفته شده‌اند. اگرچه مکاتب مذکور برهه‌ای از تاریخ اجتماعی- اقتصادی کشور را توضیح داده و بر آن قابل انطباق هستند؛ اما شرایط منحصربه‌فرد طبیعی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران به گونه‌ای است که به طور کامل از هیچ کدام از الگوها و مکاتب مذکور تبعیت نمی کند (نصیری، ۱۳۹۳). پس از انقلاب اسلامی گروهی به قدرت رسیدند که معتقد به سیاست های مکتب وابستگی بودند. این جریان با ملی شدن کارخانه‌ها، شرکت‌ها، بانک‌ها و با گسترش دستگاه اداری و دولتی و با تکیه بر درآمدهای نفتی به بسیج منابع و امکانات برای جنگ پرداخت و با شعار استقلال و خودکفایی و عدم وابستگی و با کنترل نرخ ارز، نوعی استراتژی جایگزینی واردات را اتخاذ کرد که با تقویت کار و تولید و صنعتی شدن همراه نبود. از سوی دیگر به اصلاحات ارضی پرداختند و قریب به یک ونیم میلیون هکتار زمین را بین ۲۵۰ هزار خانوار روستایی توزیع کردند. در همین زمان موضع گیری های نظام با انتقاد از سیاست‌های آمریکا همراه بود. تلاش برای ایجاد نظم جدید و عادلانه جهان به عنوان یکی از اهداف درازمدت سیاست خارجی نیز در تداوم همین رویکرد بود. اما این تلاش‌ها با موفقیت چندانی همراه نبود (کاوه پیشقدم، ۱۳۸۹). در دوره سازندگی، جمهوری اسلامی ایران درصدد ایفای نقش‌هایی چون دولت توسعه‌یافته، دولت سرمشق، قدرت منطقه‌ای و ... بود. توسعه اقتصادی به عنوان کانون اقدامات دولت قرار گرفت. درواقع پس از پایان جنگ، منافع قدرت ملی در حوزه اقتصادی و دفاعی بر منافع معطوف به نظم جهانی و ایدئولوژیک پیدا کرد، به گونه‌ای که رشد و توسعه اقتصادی

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-13]

به عنوان اولویت سیاست خارجی و داخلی ایران درآمد. در این راستا سیاست‌های تعدیل ساختاری سازمان تجارت جهانی را اجرا کرد که مبتنی بر رشد اقتصادی جلب سرمایه‌گذاری خارجی و تولید مبتنی بود تا سهم ایران را از تجارت جهانی افزایش دهد. اما به دلیل عدم تطابق سیاست‌های تعدیل ساختاری با پایه‌های انقلاب اسلامی این الگو نیز با ناکامی روبرو شد (باقری دولت‌آبادی و ابراهیمی، ۱۳۹۵).

تا سال‌های اخیر برای اقتصاد کشور یک تفکر اقتصادی همگون و وفاق‌شده شکل نگرفته بود؛ اقتصاد از نبود یک راهبرد رنج بسیار برده و طرح موضوع اقتصاد مقاومتی در چارچوب این چالش مفهوم و معنی پیدا می‌کند. وضعیت نامناسب اقتصاد فعلی ایران نتیجه پیروی زیگزاگی از طرح و موضوعات متفاوت اقتصاد جهانی بوده است. در برهه‌ای از زمان اقتصاد سوسیالیستی طرح شد و در برهه‌ای دیگر اقتصاد مرکانتلیستی، اقتصاد بازار و اقتصاد کلاسیک، و هیچ‌یک از این‌ها برای اقتصاد کشور راه به جایی نبرد (مستخدمین حسینی، ۱۳۹۵). الگوی اقتصاد مقاومتی نتیجه ۳۶ سال هزینه-فایده‌ای است که در حوزه‌های اقتصادی با مدل‌ها، مدیرها و الگوهای مختلف داشته‌ایم. آنچه اقتصاد مقاومتی به عنوان راه دستیابی به توسعه پایدار بر روی آن تمرکز دارد، دستیابی به یک اقتصاد درون‌زا است تا بتواند قدرت رقابت ایران در بازارهای جهانی را افزایش دهد که لازمه آن محکم و مقاوم‌تر کردن زیرساخت‌هاست. همان‌طور که اشاره شد تولید پایدار است که منجر به توسعه و رشد اقتصادی می‌شود، به همین دلیل باید بر سایر بخش‌ها اولویت داشته باشد و در تولید نیز صنعت مقدم است. برای داشتن صادرات پایدار باید کالاهای صنعتی با قیمت و کیفیت مناسب باشد تا قدرت رقابت را داشته باشد. به عبارت بهتر، استراتژی صنعتی و استراتژی تولید کشور باید یک استراتژی واقع گرایانه باشد که با الزامات فناوری، تکنیک، آموزش و ... استراتژی صنعتی مناسب باشد (آل اسحاق، ۱۳۹۵). شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی ایران به ما می فهماند که استقلال مسئله و اولویت نظام است. این استقلال در تمامی ابعاد ازجمله اقتصاد قابل تبیین است. لذا اقتصاد برای ایران مهم است. استقلال در عرصه اقتصاد به معنای آن است که ساختارهای اقتصادی کشور به گونه ای باشد که هیچ تهاجمی، شوک و تکانه‌ای نتواند به استقلال اقتصادی کشور آسیب بزند (رزاقی، ۱۳۹۵).

با توجه به آنچه گفته شد می توان ادعا کرد که الگوی اقتصاد مقاومتی برگرفته و تلفیقی از دو مکتب نوسازی و توسعه نیافتگی است. درواقع الگوی اقتصاد مقاومتی با گرفتن مؤلفه هایی از دو مکتب و بازتعریف مفاهیم آن بر اساس ویژگی های خاص کشور الگوی توسعه اقتصادی جدیدی

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-13]

ارائه داده است که شاخص ها و ظرفیت های بومی ایران را در نظر گرفته است. اما در ذیل به بیان اشتراکات الگوی مذکور با مکاتب توسعه با تأکید بر موج دوم می‌پردازیم:

جدول ۱. اشتراکات الگوی اقتصاد مقاومتی با مکاتب توسعه

محورها	مکتب نوسازی	مکتب وابستگی	اقتصاد مقاومتی
تعریف	مبتنی بر تولید و دگرگونی در طبیعت، اقتصاد و اجتماع	مبتنی بر تولید و دگرگونی در فرهنگ، اقتصاد و اجتماع	مبتنی بر تولید، صنعت و دگرگونی در فرهنگ، اقتصاد و اجتماع
مفهوم غالب توسعه	اقتصادی- سیاسی	فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و انسانی	فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و انسانی
سطح تحلیل	نظام بین‌الملل	ملی	ملی و نظام بین‌الملل
منطق اجرا	دیوان (نقش نظارتی هماهنگ‌کننده) و مردمی	دیوان (نقش نظارتی هماهنگ‌کننده) و مردمی	دیوان (نقش نظارتی هماهنگ‌کننده) و مردمی
الگوها	مدرن، برون‌زا و غربی	درون‌زا و بومی	درون‌زا و بومی
دال مرکزی	توسعه اقتصادی	توسعه وابسته	توسعه فرهنگی، اقتصادی و انسانی
متولیان توسعه	نهادهای اجتماعی مانند دولت، شرکت‌های بزرگ و نهادهای مدنی	نهادهای اجتماعی مانند دولت و نهادهای مردمی	نهادهای اجتماعی مانند دولت، بخش خصوصی و نهادهای مردمی
ارتباط توسعه و وابستگی	وابستگی عامل توسعه	مضر بودن وابستگی هرچند که توسعه پویا شکل بگیرد	مضر بودن وابستگی و اعتقاد به وابستگی متقابل
هدف توسعه	منافع مرکز و توسعه جهان سوم	توسعه جهان سوم	توسعه جهان سوم
مبنای هنجارسازی	سیاسی، اقتصادی و اجتماعی	فرهنگی و جامعه بومی	فرهنگی و جامعه بومی
وضعیت صادرات	تنوع کالاهای صادراتی	جانشینی واردات	تنوع کالاهای صادراتی
درآمدهای صادراتی	تنوع بازارهای صادراتی	ایجاد بازارهای مشترک	تنوع بازارهای صادراتی
وضعیت ارتباط با خارج	تحقق توسعه در ارتباط با بیرون	تحقق توسعه با تکیه بر مؤلفه‌های درونی سیستم	تحقق توسعه با تأکید بر ظرفیت‌های داخلی و توجه به بیرون
وضعیت داخلی جامعه	پیگیری منافع فردی و رسیدن به منافع جمعی	رفاه محرومان، بیکاران و روستانشینان	توجه به همه اقشار جامعه و حفظ وحدت و انسجام
کانون‌های توسعه	کانون‌های متحرک تجدد	کانون‌های متحرک تجدد	کانون‌های متحرک تجدد
نقش سنت در تجدد	بهره‌برداری از سنت‌ها در پیشبرد تجدد	بهره‌برداری از سنت‌ها در پیشبرد تجدد	بهره‌برداری از سنت‌ها در پیشبرد تجدد
زمان دستیابی به توسعه	توسعه یک پروسه طولانی‌مدت است	توسعه یک پروسه طولانی‌مدت است	توسعه یک پروسه طولانی‌مدت است

مأخذ: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-13]

بر اساس آنچه در جدول ذکر شد مشاهده می‌شود که بسیاری از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی با مؤلفه‌های نوسازی و توسعه‌نیافتگی همپوشانی دارد. اما این تشابهات بین الگوی توسعه‌نیافتگی و اقتصاد مقاومتی بیشتر مشهود است. دلیل اشتراکات بیشتر الگوی اقتصاد مقاومتی با الگوهای توسعه‌نیافتگی در این است که الگوی توسعه‌نیافتگی از دیدگاه جهان‌سومی‌ها به بیان مسائل و مشکلات می پردازد و در این راستا باید گفت که اکثر کشورهای جهان سوم دارای مسائل مشترکی در حوزه توسعه هستند. اما آنچه متفاوت است الگوی بومی خروج از توسعه‌نیافتگی است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که الگوی اقتصاد مقاومتی برگرفته از دو الگوی مذکور و تلفیقی از آن‌هاست.

۷. نتیجه‌گیری

توسعه مسئله‌ای است که هر کشوری درنهایت باید در مسیر آن قرار گیرد؛ اما در این مسئله که از چه مدل و رهیافتی برای رسیدن به این مهم استفاده کنند همواره با چالش مواجه بوده‌اند. همان‌طور که در متن نیز توضیح داده شد، الگوهای توسعه نیز در مقاطعی با تغییر و تحول همراه بوده‌اند. ضمن آنکه باید گفت دستیابی به الگوی توسعه مطلوب کار چندان راحتی نیست و هزینه فایده‌هایی دارد که زمان بر است. الگوی اقتصاد مقاومتی نیز پس از ۳۶ سال بحث، تفکر و ارائه نظر مطرح شد که ضمن تأکید بر عوامل و ظرفیت‌های داخلی، به عوامل خارجی نیز توجه دارد. برای این الگو ویژگی‌هایی برشمرده شد، مانند مردمی بودن، توجه به بخش خصوصی، حمایت از سرمایه گذاران داخلی و خارجی، ایجاد فضای رقابت سازنده در عین همکاری، خروج از تک محصولی بودن، اقتصاد دانش‌بنیان، حمایت از تولید ملی و غیره. با توجه به این ویژگی‌ها و مقایسه آن‌ها با ویژگی‌های الگوهای نوسازی و توسعه‌نیافتگی به این نتیجه می‌رسیم که اقتصاد مقاومتی با تلفیق اصولی از هر دو مکتب یک مدل جدید ارائه داده است که بر اساس وضعیت داخلی ایران تعریف شده است. یعنی از راهبرد دو الگوی مذکور به یک الگوی بومی دست یافته و برخی از مفاهیم آن‌ها را بازتعریف کرده است. البته باید به این نکته اشاره کرد که تاکنون گام جدی در راستای تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی برداشته نشده است و لازم است که با مدیریت کارآمدتر و توجه جدی‌تری به این مقوله پرداخته شود؛ چراکه الگوی مذکور کاملاً بر اساس ویژگی‌های داخلی ایران تعریف شده و می‌تواند راهکار برون‌رفت ایران از این وضعیت اقتصادی نابسامان باشد. ضمن آنکه اگر این الگو با موفقیت اجرا شود

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-13]

خود می‌تواند به عنوان یک الگو به کشورهای جهان سوم - به علت شباهت ساختاری - صادر شود و آن‌ها نیز الگوی بومی خود را تعریف کنند. این نکته می‌تواند پایه پژوهش‌های آینده قرار گیرد.

منابع

- **آقامحمدی، علی؛ دانش جعفری، داوود؛ درخشان، مسعود** (۱۳۹۱). چهارمین نشست اقتصاد مقاومتی: سیاست های مناسب پولی، ارزی و مالی. تهران: پژوهشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی.
- **اسماعیلی خوشمردان، علی** (۱۳۹۵). «زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی لازم برای دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی». دفتر تحقیقات و سیاست‌های بخش‌های تولیدی معاونت امور اقتصادی.
- **آل‌اسحاق، یحیی** (۱۳۹۵). «اقتصاد مقاومتی بهترین الگوی توسعه پایدار است». ماهنامه علمی- تحلیلی اقتصاد مقاومتی. سال سوم. شماره ۹.
- **باران، پل؛ داب، موریس؛ لانگه، اسکار** (۱۳۵۴). *اقتصاد سیاسی توسعه‌نیافتگی و رشد*. ترجمه فرهاد نعمانی. چاپ اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- **باقری دولت‌آبادی، علی؛ ابراهیمی، حسین** (۱۳۹۵). «توسعه محوری در دولت سازندگی و الزامات آن برای سیاست خارجی ایران». *فصلنامه دولت‌پژوهی*. سال دوم. شماره ۶. صص ۱۷۳-۱۳۳.
- **بهرامی، وحید؛ شوشتری، مصطفی** (۱۳۹۳). «الگوی دستیابی به توسعه با نگاه به دو مکتب نوسازی و وابستگی». دومین کنفرانس ملی پویایی مدیریت، توسعه اقتصادی و مدیریت مالی.
- **تاری، فتح اله؛ علی‌زاده، امیرخادم؛ دانش‌جعفری، داوود؛ درخشان، مسعود؛ سیدنورانی، سیدمحمدرضا؛ عیسوی، محمود؛ قوامی، سیدحسن؛ معصومی‌نیا، غلامعلی** (۱۳۹۱). دومین نشست اقتصاد مقاومتی: سیاست و راهکارها. تهران: پژوهشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی.
- **تومیکا، پیوترز** (۱۳۸۲). «نظریه های نوسازی، قدیم و جدید»، ترجمه غلامرضا ارجمندی، *فصلنامه پیک نور*. سال اول. شماره ۱.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-13]

- **جفرودی، رخشانه؛ مجید، علیرضا** (۱۳۹۴). «اقتصاد مقاومتی در منظر اقتصاد دانش بنیان و رویارویی با تحریم‌ها». همایش ملی اقتصاد مقاومتی «چالش‌ها، راهکارها، واقعیت‌ها». دانشگاه رازی کرمانشاه. صص ۹۶- ۸۷.
- **خانزادی، آزاد؛ حیدری، سمیرا** (۱۳۹۴). «بررسی و تحلیل نقش و اثرات مقاوم‌سازی اقتصادی بر آزادسازی اقتصادی، با رویکرد اقتصاد مقاومتی». همایش ملی اقتصاد مقاومتی «چالش‌ها، راهکارها، واقعیت‌ها». دانشگاه رازی کرمانشاه. صص ۸۶- ۷۱.
- **دانشمند، مسعود؛ تاج گردون، غلامرضا؛ زالی، عباسعلی؛ فتحی، ارسلان؛ آل اسحاق، یحیی؛ مصباحی مقدم، غلامرضا؛ عدالتیان، جمشید؛ ندیمی، ایرج؛ حسینی، سیدحمید؛ عسگراولادی، اسدالله؛ کلانتری، عیسی** (۱۳۹۱). «عبور از بحران‌ها با پیاده‌سازی کامل اقتصاد مقاومتی در کشور». *ماهنامه اتاق بازرگانی*. شماره ۷۰. صص ۱۹- ۱۳.
- **دهقانپور، بابک؛ شفیعی، آزاده؛ محمدی، مهران** (۱۳۹۴). «اقتصاد مقاومتی؛ مطالعه مروری ابعاد و ویژگی‌ها». *ماهنامه کار و جامعه*. شماره ۱۸۶. صص ۶۴-۵۵.
- **رزاقی، ابراهیم** (۱۳۹۵). «اقتصاد مقاومتی مغایر با روح سرمایه داری لیبرالی است». *ماهنامه علمی- تحلیلی اقتصاد مقاومتی*. سال سوم. شماره ۹.
- **ساعی، احمد** (۱۳۹۲). *مسائل سیاسی- اقتصادی جهان سوم*. تهران: انتشارات سمت.
- **ساعی، احمد** (۱۳۹۴). *توسعه در مکاتب متعارض*. چاپ هفتم. تهران: نشر قومس.
- **سریع‌القلم، محمود** (۱۳۷۵). *توسعه، جهان سوم و نظام بین‌الملل*. چاپ سوم. تهران: نشر سفیر.
- **سریع‌القلم، محمود** (۱۳۹۳). *عقلانیت و توسعه‌یافتگی ایران*. تهران: انتشارات فرزان روز.
- **سمیعی اصفهانی، علیرضا؛ حبیبی، فاطمه** (۱۳۹۴). «نظریه پساتوسعه و الگوی اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران؛ رویکردی مقایسه ای». *فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج*، سال هجدهم، شماره ۶۶.
- **سن، آمارتیا** (۱۳۸۶). «مفهوم توسعه»، ترجمه شاکه سرکیسان و علی گودرزی، *فصلنامه راهبرد یاس*، شماره ۱۲.
- **سیدشکری، خشایار؛ کاویانی، زهرا** (۱۳۹۱). «اقتصاد مقاومتی: ویژگی‌های آن، فرصت‌ها و تهدیدها». مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: دفتر مطالعات سیاسی.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-13]

- **سیفلو، سجاد** (۱۳۹۳). «مفهوم شناسی اقتصاد مقاومتی». *فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی*. شماره ۲. صص ۱۷۳-۱۵۱.
- **صنعتی، فریبا** (۱۳۹۵). «ارزیابی و نقد پارادایم نئومارکسیستی توسعه (با تأکید بر جامعه شناسی تاریخی توسعه در ایران)». *فصلنامه جامعه‌شناسی تاریخی*. دوره ۸. شماره ۲.
- **غفارپور، داود؛ پورحاتمی، زهره** (۱۳۹۴) «اقتصاد دانش‌بنیان، نوآوری و تحقق اقتصاد مقاومتی»؛ همایش ملی اقتصاد مقاومتی «چالش ها، راهکارها، واقعیت‌ها». دانشگاه رازی کرمانشاه. صص ۱۳۰- ۱۱۲.
- **غفاری، یاشیل** (۱۳۹۰). «تحول نظریه توسعه در عصر جهانی شدن و هویت‌یابی ملت ها». فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی. دوره دوم. شماره ۲. صص ۱۳۵-۱۱۱.
- **فتح‌اللهی، جمال؛ فریادی، زلیخا** (۱۳۹۴). «نقش بهره‌وری در اقتصاد مقاومتی»؛ همایش ملی اقتصاد مقاومتی «چالش‌ها، راهکارها، واقعیت‌ها». دانشگاه رازی کرمانشاه. صص ۳۳- ۸.
- **فشاری، مجید؛ پورغفار، جواد** (۱۳۹۳). «بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در ایران». *مجله اقتصادی*، شماره ۵ و ۶. صص ۴۰- ۲۹.
- **قربانی، مصطفی** (۱۳۹۶). «اقتصاد مقاومتی و نظریه‌های توسعه» در: www.basirat.ir.
- **کاوه پیشقدم، محمدکاظم** (۱۳۸۹). «غلبه مکتب وابستگی بر استراتژی‌های توسعه در دهه نخست انقلاب اسلامی». *دانشنامه حقوق و سیاست*. شماره ۱۴.
- **کریمی، محمدصادق** (۱۳۹۱). «بورس نفت؛ لازمه اقتصاد مقاومتی». اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی. صص ۱۲۹- ۱۲۱.
- **لطیفی، غلامرضا** (۱۳۸۸). «دیدگاه‌هایی از توسعه». *کتابنامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۰، صص ۸۵-۷۴.
- **مستخدمین حسینی، حیدر** (۱۳۹۵). «مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اقتصاد ایران با راهبردی بر اقتصاد مقاومتی». *ماهنامه علمی- تحلیلی اقتصاد مقاومتی*. سال سوم، شماره ۹.
- **میرمعزی، سیدحسن** (۱۳۹۱). «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)». اقتصاد اسلامی. شماره ۴۷. صص ۷۶- ۴۹.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-13]

- **نریمانی، میثم؛ عسکری، حسین** (۱۳۹۱). «چهارچوب مفهومی اقتصاد مقاومتی». اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی. صص ۶۱- ۵۱.
- **نصیری، مهدی** (۱۳۹۳). «بررسی جامعه شناختی شاخص های پیشرفت و توسعه در جامعه اسلامی ایران». سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- **ی. سو، آلوین** (۱۳۹۳). *تغییر اجتماعی و توسعه*. ترجمه محمود حبیبی مظاهری. چاپ هشتم. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-13]